

مراقب پوپولیسیم آزادی باشید

ویروسی کشنده تر از کرونا

سانتیاگو زالابالا

دونالد ترامپ، جار بولسوناورو و دیگر پوپولیست‌های راست‌گرا در سراسر جهان در دوران همه‌گیری ویروس کرونا ثابت کردند که رجزخوانی‌ها و سیاست‌هایشان می‌تواند در میانه یک بحران، چقدر مرگبار باشد. اما این پایان ماجرا نیست.

در حالی که جهان به تدریج وارد فاز پس از همه‌گیری می‌شود، نشانه‌هایی در اروپا دیده می‌شود که ثابت می‌کند نوع جدیدی از پوپولیسیم در حال ظهور است. پوپولیست‌ها در سراسر اروپا حالا پرچم آزادی به دست گرفته‌اند و در مقابل محدودیت‌های کرونایی که از ابتدای همه‌گیری ویروس کرونا در اروپا وضع شد، ایستاده‌اند. همه احزاب در عرصه سیاسی اروپا، از احزاب دولتی گرفته تا اپوزیسیون، در میانه همه‌گیری کرونا سعی کردند موضوع را سیاسی کنند اما این تلاش‌ها اغلب ناموفق بود. همان‌طور که ویروس در همه جوامع شیوع پیدا می‌کرد و نظام‌های بهداشتی را مشغول خود کرده و ده‌ها هزار نفر را به کام مرگ فرو می‌برد، اغلب شهروندان اروپایی تنها توصیه‌های ایمنی از سوی دولت‌هایشان را قبول می‌کردند. در ماه‌های اخیر البته شرایط تا حدود زیادی فرق کرده است. کمپین واکسیناسیون در سراسر اروپا آغاز شده تا بلکه بحران را کنترل کند و همزمان با آن صداهای مختلف علیه محدودیت‌های کرونایی بیش از هر زمان دیگری شنونده دارد. در نتیجه، پوپولیست‌ها حالا فرصتی جدید یافته‌اند تا بر میزان قدرت سیاسی خود بیفزایند و افکار عمومی را علیه یک دشمن فرضی جدید به صف کنند و آن دشمن فرضی چیست؟ مقامات دولتی که سعی دارند جامعه را تنها در وضعیتی مطمئن و ایمن به حالت عادی قبل از همه‌گیری بازگردانند. «پوپولیسیم آزادی» نخستین پیروزی‌اش را در انتخابات اخیر بخش خودمختار مادرید به دست آورد. این بخش یکی از 17 منطقه خودمختار اسپانیا است. رییس‌جمهوری مادرید خودمختار ایزابل دیاز آیوسو عضو یک حزب دست‌راستی بود که در کمپین انتخاباتی خود قول داد مردم مادرید را از شر محدودیت‌های مدیریتی دولت سوسیالیست اسپانیا نجات می‌دهد و با همین شعار هم پیروز انتخابات شد. برای

فهم ظهور پوپوليسم آزادي در اسپانيا و ديگر كشورهاي اروپايي ابتدا بايد بدانيم كه چرا پوپوليسم به عنوان يك استراتژي سياسي موفق توانسته به عرصه سياسي كشورها بازگردد؟ چه تفاوتی میان پوپوليسم راست‌گرا، پوپوليسم چپ‌گرا و پوپوليسم ديگيتال وجود دارد و چرا پوپوليسم همواره براي موفق شدن به خلق يك «دشمن» نیاز دارد؟

بازگشت پوپوليسم

در طول ده سال گذشته، پوپوليسم به عنوان يك استراتژي قابل اعتماد در اروپا سر برآورده است. اين استراتژي در واكنش به حمايت روزافزون احزاب حاضر در قدرت از مديريت تئوکراتيك مسائل عمومي براي مشروعيت‌زدائي از ايدئولوژي‌ها و باقي ماندن در قدرت ظهور کرده است. ائتلاف‌هايي كه در نتيجه اين روند شكل گرفت ايدئولوژي‌هاي چپ و راست را به نفع احزاب مركزيت‌گرا كنار زده و موجب شد خيلي‌ها منافع خود در سياست را از دست رفته ببينند. پوپوليسم‌ها در واكنش به اين ائتلاف‌هاي غيرقابل دسترس و سياست‌هاي‌شان كه موجب افزايش بي‌سابقه نابرابري اجتماعي اقتصادي شد، اعلام كردند كه قصد دارند سياست و قدرت را به مردم بازگردانند و براي انجام اين كار رابطه مستقيمي با توده‌هاي نابرخوردار كه مدت‌ها بود از سوي احزاب در قدرت، مورد بي‌توجهي قرار گرفته بودند، برقرار كردند. پوپوليسم‌ها با سوءاستفاده از ترس، آرزوها و درماندگي مردم، به آنها نزديك ميشوند. پوپوليسم‌هاي راست‌گرا از ترس مردم از اتباع خارجي كه ريشه در نفرت و تبعيض دارد استفاده مي‌کنند، پوپوليسم‌هاي چپ‌گرا از ميل مردم براي اوضاع بهتر و آينده سرشار از عدالت و مساوات سوءاستفاده مي‌کنند و پوپوليسم ديگيتال هم، نظير جنبش پنج‌ستاره ايتاليا، از ظهور شبكه‌هاي اجتماعي به عنوان محل و بحث و گفت‌وگو درباره درماندگي و خستگي توده‌ها استفاده کرده و سعي مي‌کنند مردم را به نظام انتخابات دموکراتيك کشور بي‌اعتماد کنند. مدتي بود كه اين‌گونه تصور ميشد پوپوليسم‌ها قرار است در درازمدت چه در اروپا و چه در سراسر جهان، پيروز ميدان باشند. بعد از ظهور همه‌گيري ويروس کرونا به عنوان يك تهديد جهاني عليه سلامت بشر، پوپوليسم‌ها در عرصه سياسي بسياري از كشورها نتوانستند آن‌طور كه مي‌خواستند از حمايت افكار عمومي برخوردار شوند. پس چرا مي‌گوئيم كه ظهور همه‌گيري موجب ظهور دوباره پوپوليسم شده است؟ پوپوليسم به عنوان يك استراتژي سياسي همواره براي پيروي به خلق دشمن نیاز دارد. گاهي اين دشمن واقعي است و گاهي هم خيالي. پوپوليسم‌ها از اين

دشمن براي متحد کردن توده‌ها پشت ايده خودشان استفاده مي‌کنند. در سال‌هاي اخير پوپوليست‌ها دشمن‌هاي گوناگوني ساخته‌اند تا بتوانند قدرت سياسي را در اختيار بگيرند؛ از پناهجویان و مهاجران گرفته تا فمينيست‌ها، اقليت‌هاي جامعه، دولت مرکزي و نخبگان کشورها. وقتي همه‌گيري آغاز شد و اولويت‌هاي جامعه را تغيير داد، پوپوليست‌ها در سراسر جهان احساس کردند نياز دارند دشمن جديدي بسازند تا بتوانند همچنان از حمايت سياسي برخوردار باشند. بسياري از عوام‌فريبان راست‌گرا از بولسونارو در برزيل گرفته تا ترامپ در امريکا سعي کردند چين را به عنوان دشمن جديد تصوير کنند. پوپوليست‌هاي چپ‌گرا نظير پابلو ايگلسياس در اسپانيا و ژان لوک ملانکون در فرانسه سعي کردند مقصر همه‌گيري و آثار مخرب آن را دولت‌ها و تمايل آنها براي توسعه و تخریب محيط زيست عنوان کنند. البته هيچ کدام از اين دو طرف نتوانستند اکثريت حاميان‌شان را قانع کنند. توده‌ها تنها زماني عليه يك دشمن بسيج ميشوند که باور کنند خواسته‌هاي آنها و مشکلات‌شان با شکست آن دشمن تامين شده و حل و فصل ميشود. در طول همه‌گيري کرونا، افکار عمومي هرگز از ايده اعتراض عليه چين يا حمله به سياست‌هاي توسعه‌اي حمايت و باور نکردند اين اعتراضات مشکلات‌شان را حل خواهد کرد. اما همه چيز به سرعت در حال تغيير است. حالا که ما در حال ورود به دوران پساکرونا هستيم، پوپوليست‌ها دريافته‌اند که مي‌توانند از خستگي مردم از محدوديت‌هاي طولاني‌مدت کرونايي استفاده کرده و دشمني جديد خلق کنند و بار ديگر قدرت را به دست بگيرند. در طول يكسال گذشته، وقتي که کووید 19 به يك تهديد حياتي واقعي عليه جوامع تبديل شد، دولت‌ها به راحتی به سمت اعمال قرنطينه، اجبار به پوشيدن ماسک و وضع قوانين فاصله‌گذاري اجتماعي رفتند. اما حالا که به نظر ميرسد به لطف واکسن، بيماري در حال شکست خوردن است، محافظه‌کاري و احتياط دولت‌ها در برداشتن محدوديت‌هاي کرونايي که با هدف ممانعت از ظهور دوباره بيماري انجام ميشود، مردم کشورها را خسته کرده است و از نظر پوپوليست‌ها، خصوصا پوپوليست‌هاي راست‌گرا، اين بهترين فرصت است. آنها حالا عليه آنچه حکومت‌هاي سرکوبگر مي‌نامند تبليغ مي‌کنند و مدعي هستند که اين حکومت‌ها آزادي‌هاي فردي مردم را به نفع خودشان، به گروگان گرفته‌اند. اين روند از سوي پوپوليست‌هاي راست‌گرا در کشورهای ايتاليا، فرانسه و اسپانيا در حال انجام است.

پوپوليست‌هاي آزادي قدرت مي‌گيرند

دياز آيوسو در مادريد نخستين سياستمدار اروپايي بود که ميوه

استراتژی پوپولیسم آزادی را چید. بنابراین درک دلایل پشت پرده پیروزی او در انتخابات به ما کمک خواهد کرد بفهمیم که چطور این برندگان جدید از پوپولیسم در حال ظهور است و چطور می‌تواند صحنه سیاسی اروپا را در آینده‌ای نزدیک تحت تاثیر قرار دهد. در اسپانیا، دولت سوسیالیست پدرو سانچز توانسته بحران کرونا را به خوبی مدیریت کند. دولت او از همه رهبران محلی خواست هر کاری از دستشان برمی‌آید برای کاهش فشار بر کادر درمان و بهبود زیرساخت‌های درمانی کشور به کار بگیرند تا هزینه انسانی این بیماری جهانی تا جایی که ممکن است کاهش یابد. البته هر منطقه خودمختار در اسپانیا هنوز می‌تواند محدودیت‌های کرونایی را در صورت لزوم بار دیگر اعمال کند. در حالی که غالب فرمانداران مناطق قبول کردند که پشت سر سیاست‌های دولت فدرال حرکت و محدودیت‌های کرونایی شدید وضع کنند، دیاز آیوسو از انجام این کار سر باز زده و اعلام کرد که می‌خواهد اقتصاد منطقه تحت اختیار خودش را حفظ کند. در نتیجه این تصمیم در ماه‌های گذشته، در حالی که بیمارستان‌های اسپانیا مملو از بیماران مبتلا به کرونا بود و بیشتر مناطق این کشور همچنان در قرنطینه به سر می‌بردند، کافه‌ها، رستوران‌ها و سالن‌های تئاتر و سینما در منطقه تحت اختیار آیوسو همچنان باز باقی ماند. علاوه بر این دولت دیاز آیوسو هیچ اقدامی برای جلوگیری از برگزاری مهمانی‌ها و جشن‌ها و گردهمایی‌ها در منطقه تحت اختیار خود نکرد در نتیجه این منطقه به عنوان منطقه‌ای آزاد و محلی برای خوشگذرانی در اروپا مشهور شد و اتباع دیگر کشورها برای فرار از محدودیت‌های کشورهای خود به این منطقه سفر کردند. این استراتژی مدیریتی غیرمسئولانه موجب شد که این منطقه از اسپانیا بیشترین تلفات را در زمینه ابتلا به ویروس کرونا داشته باشد. اگرچه بسیاری از کسب و کارها از اقدامات دیاز آیوسو حمایت کرده‌اند، اما موضع او علیه اعمال محدودیت‌های کرونایی، در ادامه نه تنها مورد اعتراض سیاستمداران چپ‌گرا قرار گرفت، بلکه افکار عمومی اسپانیا نیز به آن اعتراض کردند. اما وقتی که کمپین واکسیناسیون اسپانیا آغاز به کار کرد و تاثیر خود را گذاشت، دیاز آیوسو از دستاوردی که کشور در کنترل کردن ویروس به دست آورده بود، استفاده کرده و مدعی شد استراتژی او در مقابله با بیماری موثر بوده و به این ترتیب سعی کرد مخالفانش را ساکت کند. در ماه مارس، وقتی یک اپوزیسیون منطقه‌ای سعی کرد به دولت دیاز آیوسو رای عدم اعتماد بدهد، او انتخابات زودهنگام اعلام کرد. در کمپین انتخاباتی‌اش هم به سرعت استراتژی جدیدی بر مبنای وعده آزادی‌های فردی علیه محدودیت‌های کرونایی در پیش گرفت. جالب اینکه در همان زمان، دولت فدرال

اسپانیا به دنبال آن بود راهی برای کم کردن محدودیت‌های کرونایی به گونه‌ای که سلامت جامعه هم به خطر نیفتد، بیاید. خیلی زود، معاون دوم نخست‌وزیر اسپانیا، پابلو ایگلسیاس از حزب چپ‌گرای پودموس از دولت فدرال خارج شد تا کمپین انتخاباتی‌اش را علیه دیاز آیوسو آغاز کند. آیوسو در واکنش به این اقدام با سوءاستفاده از دیدگاه‌های چپ‌گرایانه و رادیکال ایگلسیاس ادعا کرد انتخابات به صحنه مبارزه آزادی با کمونیسم تبدیل شده است. آیوسو در طول کمپین مبارزاتی خود از رقیب خود با عنوان کمونیستی یاد می‌کرد که قصد دارد آزادی‌های اجتماعی را محدود کند و به این ترتیب سعی کرد از درماندگی و خستگی مردم در خصوص محدودیت‌های کرونایی به سود خود استفاده کند. آیوسو ویدیویی در توئیتر پست کرد که در آن مالکان رستوران‌ها و کافه‌های مشهور مادرید می‌گفتند: «مادرید یعنی آزادی. امروز ما سرزنده‌تر از هر زمان دیگری هستیم». حامیان آیوسو در بخش خدماتی مادرید یک نوشیدنی به نام آیوسو تولید کردند که روی آن نوشته شده بود: «بیاید اجازه ندهیم کسی زندگی ما را از ما بگیرد». در نهایت تاکتیک‌های پوپولیستی آیوسو موفقیت‌آمیز بودند و او توانست ایگلسیاس را شکست دهد. او حالا با حمایت راست‌گرایان رادیکال برای دو سال دیگر قدرت را در اختیار خواهد داشت. پوپولیسم آزادی که از سوی دیاز به خدمت گرفته شد و بسیاری دیگر از انواع آن در سراسر اروپا و فراتر از اروپا به صورت بالقوه مرگبارتر و نابودگرتر از پوپولیسمی هستند که قبل از همه‌گیری قدرت را در بسیاری از کشورها در دست داشت. پوپولیسم آزادی مدعی است که علیه وضع موجود، کارشناسان و نهادهایی که قدرت را در دست دارند، قیام کرده است. این استراتژی می‌گوید این گروه‌ها از همه‌گیری کرونا به عنوان فرصتی برای محدود کردن آزادی‌ها استفاده می‌کنند. پوپولیست‌ها قول می‌دهند که نه تنها کمک به نهادهای محلی و بین‌المللی که برای حفاظت از جان انسان‌ها به فعالیت مشغولند را محدود خواهند کرد، بلکه به نام آزادی تا آنجا که بتوانند بخش‌های خدماتی را خصوصی‌سازی خواهند کرد. اگر آنها بتوانند حمایت کافی را برای تشکیل دولت کسب کنند و یک سیاست عمومی را به اجرا بگذارند، قادر خواهند بود شبکه‌هایی را که جان هزاران نفر را نجات داده‌اند، نابود کنند. ممکن است که دوران همه‌گیری رفته رفته رو به پایان باشد اما متأسفانه دوران پوپولیسم آزادی که دقیقاً به اندازه همه‌گیری کرونا کشنده است، در حال آغاز شدن است.

استاد فلسفه دانشگاه پمپئو فابرا اسپانیا
ترجمه: آرمین منتظری

منبع: الجزيره

منبع: روزنامه اعتماد 10 تير 1400 خورشیدی